



بررسی مسئولیت کیفری مستی ارادی با بررسی حالات مستی و با تبیین قاعده الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار

۱- امیرمحمد بهنام

"دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه"

Amirbehnam7888@gmail.com

۲- سمیرا صفرلو

"وکیل پایه یک دادگستری"

۳- عبدالله بهنام

"کارشناسی حقوق"

Abehnam984@gmail.com

چکیده:

امروزه به جهت اهمیت جایگاه فقه در امور جزائی در ایران و به جهت حرمت شرب خمر و مستی در اسلام بررسی و تحلیل انواع نوع مستی و همچنین انواع حالات و رفتار فرد مست، از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین جهت هنگامی که بحث مستی پیش آمد، دانشمندان علوم نظری در مقابل آن جبهه گیری کردند از جمله شاعران، فقیهان، عارفان و ... بسته به اینکه مجرای این اندیشه چیست، دیدگاه و بنابراین نتایج متفاوت خواهد بود. حتی در میان خود این گروه ها نیز مکاتبی بوجود آمد که با سایر مکاتب آن گروه اختلاف عقیده دارند. اگر فقط از جنبه ی فقهی به این مسئله پرداخته شود با توجه به اینکه نظرات بی شماری در این رشته وجود دارد مجال پرداخت به همه ی آنها نیست در پژوهش حاضر که با رویکرد تحلیلی و توصیفی با روش کتابخانه ای تبیین و نگارش شده است از حقوق کیفری استفاده می شود تا روشن شود که این شخص مجرم و بنابراین مسنح کیفر است یا نه؟ بنابراین از اصول مورد قبول حقوق کیفری استفاده خواهد شد. تا در پایان نتیجه ای موثر بر مسئولیت کیفری این افراد حاصل گردد.

کلمات کلیدی: مسئولیت کیفری، مستی، حقوق کیفری، مستی غیر ارادی

مقدمه:

در میان احکام تاسیسی اسلام روند تحریم شرب خمر جالب است زیرا به تدریج صورت گرفت. ابتدا بدون ضمانت اجرا مردم را از نوشیدن مسکرات بر حذر داشت. بعد از آن با شیوه بطلان نماز هنگام مستی از موارد ارتکاب و استعمال مسکر کاست و در نهایت آن را عملی شیطانی معرفی کرده و آنها را از زمره نجاسات به حساب آورد. خداوند در آیه ۹۰ و ۹۱ سوره مائده می فرماید:

((یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون انما یزید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المسیر و یرصدکم عن ذکر الله و عن الصلوه فهل انتم منتهون))

((ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرویندی همه اینها پلید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد پس آیا شما از آن دست بر می دارید؟؟))

امام صادق (ع) نیز در تحف العقول می فرماید:



((... از نوشابه‌ها هر آنچه زیادش عقل را زایل نکند نوشیدنش عیب ندارد. هر آنچه زیادش مستی آورد و عقل را تغییر دهد کم آن نیز حرام است)).

آیا شرب خمر و مستی در زمره حقوق کیفری یا جرم‌شناسی باید مورد بررسی قرار گیرد؟ این بحث از آنجا ناشی می‌شود که بین این دو رشته ارتباط نزدیکی وجود دارد. چرا که قوانین کیفری ثمره بحث جرم‌شناسان است. این که اصل مجازات باشد یا نه اهداف آن چه باشد و... همه مورد بحث جرم‌شناسان است. از سوی دیگر موضوع جرم‌شناسی مجرم است که آنرا حقوق کیفری تعیین می‌کند. بنابراین این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. در اینجا از حقوق کیفری استفاده می‌شود تا روشن شود که این شخص مجرم و بنابراین مستحق کیفر است یا نه. بنابراین از اصول مورد قبول حقوق کیفری استفاده خواهد شد. خود موضوع مسئولیت کیفری یکی از مباحث بسیار مهم و در عین حال اختلافی در حقوق است و ما بدون اثبات آن نمی‌توانیم حکمی استخراج کرده و به شخص مست تحمل نماییم. بنابراین بیشتر مباحث حول محور مسئولیت کیفری خواهد بود. بنا به روش دانشمندان و فقیهان ابتدا موضوعات تعریف خواهند شد و سپس به اصل مسئله یعنی حمل موضوع بر محمول و قابلیت یا عدم قابلیت آن پرداخته خواهد شد.

۱- بیان مسأله:

طبق بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد بررسی انواع حالت‌های مستی جهت تعیین مجازات‌های کیفری بسیار موثر و مهم بوده و نوع مستی ارادی و یا غیر ارادی تاثیر بسیار زیادی در جهت نوع و میزان مجازات و همچنین مسئولیت کیفری شخص مست در جرم مرتکب شده می‌باشد لذا بررسی‌های زیر به ما نشان خواهد داد حالات مستی رکن اول در مراحل رسیدگی و صدور حکم در دستگاه قضائی را دارا می‌باشد.

۲- مفاهیم:

۲-۱- مفهوم مسئولیت کیفری:

مسئولیت در معنا و مفهوم موظف بودن به انجام کاری آمده است و در مفهوم مسئولیت، همیشه نوعی تعهد و التزام وجود دارد. در حقوق کیفری التزام به معنای قبول تبعات و پیامدهای رفتار مجرمانه می‌باشد. پس میتوان گفت که مسئولیت کیفری عبارت است: قابلیت تحمل تبعات جزائی رفتار مجرمانه.

۲-۱-۱- شرایط تحقق مسئولیت کیفری:

ماده ۱۴۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد که مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد. پس طبق این ماده برای تحقق مسئولیت کیفری سه رکن لازم است که عبارت است از عقل، بلوغ و اختیار.

۲-۱-۲- مسئولیت کیفری از دیدگاه مبانی حقوقی

۲-۱-۲-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی: (هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد) اصل فوق بهترین تعریف برای مسئولیت اشخاص بوده و به صراحت در خصوص مسئولیت کیفری اشخاصی اشاره دارد که حقوق دیگران را تضییع میکنند که این موضوع نمونه‌ی واضحی است برای نشان دادن این موضوع که ناقلین کرونا نیز طبق این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل پیگیری و محاکمه هستند.

۲-۱-۲-۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. فلذا با توجه به متن ماده فوق ترک فعل نیز باعث وقوع جرم میشود فلذا با بررسی و تشریح ماده ۲۹۵ از همین قانون در می‌یابیم که هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی



واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است. بر اساس این تعریف ناقلین به بیماری کرونا در صورتی که از دستورات مقام قانونگذار مبنی بر رعایت چهار چوب های بهداشتی استنکاف کنند و تخطی ایشان باعث سرایت این بیماری به اشخاصی در جامعه شوند قابل محاکمه و پیگیری هستند.

۳-۱-۲- ارکان مسئولیت کیفری

همان طور که گفته شد توانایی پذیرفتن مسئولیت کیفری را قابلیت انتساب می گویند که آن را به برخورداری عامل از قدرت ادراک و اختیار تعبیر کرده اند. بنابراین اگر خاطی مدرک یا مختار نباشد مسئول عملی که از او سر می زند نیست و در قابل امر و نهی قانون گذار تکلیفی ندارد. زیرا خطاب قانون گذار متوجه کسانی است که دستورهای او را می فهمند و قدرت بر اجابت آن را دارند. به همین دلیل مجنون و نابالغ چون نیک و بد اعمال خود را درک نمی کنند، مسئولیت کیفری هم نخواهند داشت. به این ترتیب مسئولیت کیفری در نظام کیفری با فرض مختار بودن انسان معنی می یابد. چنین انسانی با برگزیدن آزادانه اعمال ممنوع قصد خود را آشکارا بروز داده و از این جهت قابل سرزنش است. از دیدگاه اجتماعی مفهوم مسئولیت کیفری از مفهوم سرزنش پذیری جدا نیست. کیفر دادن بزه کاران نشانه سرزنش عمومی است. پس باید پیامدهای کیفری اعمال خود را بپذیرد. از این دیدگاه انسان قادر است بین بد و خوب اعمال خود فرق بگذارد و میان آن دو یکی را انتخاب کند. هر کس که آشنایی اندکی از دین اسلام دارد می تواند بگوید که همه ی اصولی که قوانین وضعی تنها در قرن نوزده و بیست به آن رسیده اند، شریعت از روز ظهورش می شناخته است. آنها اصول اساسی هستند که شریعت بر پایه ی آنها بنا شده است. شریعت برای مسئولیت موضوعی جز انسان زنده و مکلف نمی شناسد. فقها علت اشتراط ادراک و اختیار را در استحقاق مجازات عادی چنین بر شمرده اند:

خداوند بزرگ بندگان و مرگ و زندگی را خلق فرموده و موجودات روی زمین را زینت آنها قرار داده است تا بندگان خویش را بیازماید که کدام بهتر عمل می کنند. اسباب آزمایش را در نفوس و خارج از نفوس مهیا ساخت. اما در نفوس آنها برای آنها چشم و گوش و عقل و طبایع و اراده و حب و بغض و قدرت و شهوت و میل و نفرت و اخلاق متضاد را که مقتضای آثار متضاد است خلق فرمود. در خارج از نفوس آنها خداوند برای آنها منافع و معانی خلق نمود که انسان ها بر آن حریص بوده و برای به دست آوردن آنها رغبت زیادی دارند. هم چنان که برای آنان از اسباب و معانی آن چه را ناپسند می دانند و از خود دفع می کنند خلق نموده است. خداوند بزرگ مردم را با انگیزه های درونی و طبیعت های آنها رها ننموده است بلکه در فطرت و عقل آنها معرفت و خیر و شر و نافع و مضر، در دو لذت و اسباب آنها را قرار داده است و به این مقدار اکتفا ننموده و این مسایل را به وسیله گفتار پیامبرانش به انسان ها شناساند؛ راه های عذر آوری مردم را نیز بست. چون بر صدق فرستادگان خود دلایل و برهان هایی اقامه کرد که با وجود آنها برای مردم حجتی باقی نمی ماند تا این که هر کس که باید هلاک شود، از روی دلایل آشکار هلاک شود و هر کس زنده شود. از روی دلایل آشکار زنده شود؛ راه های وعده و وعید را به کار برده و برای آنها مثال هایی ذکر کرده و هر گونه اشکال را در آنها از بین برده است و نهایت قدرت و توانایی را به انسان برای انجام اوامر و ترک خواهی عطا فرمود و به هر روشی آنها را کمک فرمود.

از جمله حکمت های الهی اینست که آن چه را به عقول، بدن ها، اموال و ... ضرر برساند، بر مردم ممنوع کرده و بر آنها مجازاتی قرار داده است که طمع آنها قطع و دشمنان شان را دفع و از ظلمشان به یکدیگر منع می کند. پس اگر گوش فرا دهند و اطلاعات کنند هیچ ضرری به آنها وارد نخواهد شد و اگر عصیان کنند، به واسطه عصیان و دشمنی سزاوار مجازات می گردند. بعد از علم به محرمات و مجازات بر آنها، اگر در حالت اختیار و اداراک مرتکب ممنوع گردد، عذری نخواهد داشت. اما بر شخص فاقد ادراک و اختیار مجازاتی نیست. چون واجب است شخص مکلف به انجام فعل یا ترک آن خطاب یا امر و نهی متوجه به خود را بفهمد و مکلف تنها در صورتی که عاقل باشد قادر بر فهم خطاب و تفصیل است. هم چنان که وقتی مکلفی بر انجام فعل یا ترک ممنوع اکراه شود، امر شارع را عصیان نکرده است.

۲-۲- مفهوم مستی

در فرهنگ های لغت از مستی به حالت مست، مست بودن و صفت مست یاد می کنند. بنابراین دانستن معنای مستی متوقف بر معنای مست است.



یکی از حقوقدانان در تعریف مست گفته است: «مست به کسی اطلاق می‌شود که تحت تاثیر آشامیدن نوشابه الکلی قوه شعور یا تمییز اراده خود را برای مدت معینی به طور تام یا نسبی از دست می‌دهد.»^۱ این تعریف از دو جهت دارای اشکال است. یکی اینکه مسکر منحصر به نوشابه الکلی نیست و - همان طور که بعداً خواهد آمد- مواد مخدر را نیز در بر می‌گیرد و دیگر اینکه زمان بی‌خبری محدود است نه معین.

بنابراین مست کسی است که به واسطه مصرف مسکر قوه شعور یا تمییز اراده خود را به طور تام یا نسبی برای مدت محدود از دست می‌دهد.

مستی نیز حالتی است که در اثر خوردن شراب و دیگر مسکرات پدید می‌آید. دهخدا در تالیف ارزشمند خود راجع به مستی چنین گفته است: «غلبه ی سرور بر عقل به مباشرت بعضی اسباب موجب ی سکر که مانع آید از عمل به عقل، بی آنکه عقل زایل شده باشد.»^۲ زانکه هستی سخت مستی آورد عقل از سر شرم از دل می‌برد این تعریف عرفی مست و مستی بود. تعریف عرفی از مستی نیز چنان تفاوتی با مفهوم عرفی ندارد ولی از نظر موجبات سکر آنها عشق را موجب سکر می‌دانند

۳- انواع مستی

۳-۱- مستی بر مبنای قصد شخصی مست

یک تقسیم بندی دیگر نیز در اینجا می‌توان انجام داد و آن بر مبنای قصد مست است. در اینجا قصد به معنای خاص کلمه که مورد قبول دانشمندان حقوق جزا می‌باشد مورد نظر است یعنی اختیار. بنابراین که مست حین مصرف مسکر دارای اراده باشد یا خیر می‌توان به مستی ارادی و غیر ارادی اشاره کرد. این تقسیم بندی در قوانین موضوعه ابتدا در قانون مجازات عمومی آمده بود. این قانون در ماده ۳۸ خود مقرر می‌داشت:

«کسی که بر اثر اجبار یا تهدیدی که عادتاً قابل تحمل نباشد مبادرت به استعمال مواد مذکور در ماده ۳۷ کرده یا او را بر خلاف میل خود تحت تاثیر قرار داده باشند به نحوی که هنگام ارتکاب جرم حالت اشخاص مشمول بندهای الف و ب ماده ۳۶ را پیدا نماید حسب مورد طبق بندهای مذکور با او رفتار خواهد شد.

تبصره - اشخاصی که در اثر استباه در خاصیت یا نوع مواد مذکور در ماده ۳۷ مبادرت به استعمال آنها ذکر باشند مشمول این ماده خواهند بود.»

مطابق این ماده و ماده ۳۷ - که قبلاً به آن اشاره شد- می‌توان نتیجه گرفت که دو نوع مستی وجود دارد. یکی ارادی و دیگری غیر ارادی. مبنای این تقسیم بندی نامشروع بودن این سبب برای رفع مسئولیت است. بنابراین برای اینکه بتوان آن را در عداد اسباب رافع مسئولیت به شمار آورد باید خود این سبب وصف ناشروع بودنش را به طوری که بیان شد از بین ببرد.

۳-۱-۱- مستی ارادی

همان طور که اشاره شد این یکی از اسباب مستی است که مبنای آن حالت روانی شخص مصرف کننده مسکر است. در این نوع شخص با آزادی اراده و با علم به مسکر بودن ماده مصرفی مبادرت به استعمال الكل یا ماده مخدر می‌نماید. البته این ملازمه ای با علم به حرمت استفاده ی آنها ندارد. چرا که اینجا جهل حکمی محلی از اعراب ندارد و فقط جهل موضوعی می‌تواند پایه های آن را لرزان کند.

این عنوان اعم از این است که شخص به طور اتفاقی خود را مست کرده باشد یا این که این حالت در او تثبیت شده و به صورت اعتیادی در آمده باشد. بنابراین فشارهای روانی و جسمی ناشی از سندرم محرومیت قصد شخص را زایل نمی‌کند.

برای اینکه قانون گذار این حالت را که مقدمه جرم بعدی است بتواند در شمار عوامل رافع مسئولیت به شمار آورد باید خود این حالت نیز بتواند وصف نامشروعیت خود را با توسل به اسباب عام رافع مسئولیت یا علل موجهه جرم زایل کند.

- محمد صالح ولیدی، ((حقوق جزای عمومی))، ج ۳، چ اول، بی جا، اورامان، ۱۳۷۳، ص ۲۱۵.

- علی اکبر دهخدا، «لغت نامه دهخدا»، ج ۱۲، چ اول از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۸۴۱۵.



بنابراین اگر شخص در خود این سبب دارای قصد و اختیار بوده باشد نمی‌تواند از آن استفاده کند. چون مستی حاصل نامشروع است و امر نامشروع دیگر رانمی‌توان به واسطه نامشروع مجاز دانست.

دلیل دیگری که برای این تقسیم بندی وجود دارد این است که شخص دارای آزادی اراده است و چون اراده آزاد دارد مسئول تمام اعمالی است که از او سر می‌زند. وقتی شخص خود را مست می‌کند باید از آثار آن در خود اطلاع داشته باشد و اگر هم واقعاً اطلاع نداشته باشد - در مورد مست اتفاقی - بر آن بار می‌شود و شخص که می‌خواهد مسکر مصرف کند پس می‌خواهد که این اعمال را حین مستی مرتکب شود. این نگرش قانون گذار منبعث از مکتب کلاسیک است.

۲-۱-۳- مستی غیر ارادی

فرع دیگری از این تقسیم بندی وجود دارد و آن مستی غیر ارادی است. ناگفته روشن است در موردی که شخص هیچ دخالتی در مستی خویش ندارد، مورد خطاب قانون گذار نخواهد بود و از این جهت موضوع حق و تکلیف قرار نگرفته و هیچ مسئولیتی از لحاظ کیفری متوجه او نیست.

در واقع باید گفت که هر زمان شخص به کیفر شرب خمر محکوم شد باید سراغ او رفت و پرسید که آیا به منظور ارتکاب جرم خود را مست کرده یا خیر و در این حالت مستی غیر ارادی منتفی خواهد بود. همان طور که گفته شد هرگاه شخص بتواند از اسباب عام رافع مسئولیت استفاده کند مسئولیتی از جهت جرم ارتكابی متوجه او نخواهد بود.

۴- مسئولیت کیفری در انواع حالات مستی

اولین سئوالی که ممکن است مطرح شود این است که با توجه به روشن شدن این بحث و احکام آن در قوانین موضوعه چه جای بحث دارد که دوباره آن را مطرح کنیم؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت هر قاعده و حکمی که وضع می‌شود مبنا و تاریخچه بحثی دارد که علمای مختلف راجع به آن مناقشه کرده اند و حاصل آن به صورت یک قاعده یا حکم در آمده است که از آن در قوانین موضوعه استفاده می‌شود. با توجه به تعیین دیدگاه‌ها و تغییر آنها زمینه برای تغییر قاعده یا حکم فراهم می‌شود. علاوه اینکه بشر در تمام زمینه‌ها در حال پیشرفت و تکامل است و روابط اجتماعی و از جمله حقوق از این قاعده مستثنی نیست و این مهم مسیر نمی‌شود مگر با بهره‌گیری از گذشته و استفاده از آن برای بهبود آینده مگر اینکه بخواهیم از صفر شروع کنیم که غیر ممکن است.

سابقه اینکه آیا مست و ارای مسئولیت کیفری هست یا خیر مربوط به زمانی است که علما راجع به مسئولیت کیفری بحث می‌کردند. این مسئله را ابتدا فقها مطرح کردند. زمانی که ایشان ادراک و اختیار را به عنوان ارکان تحقق مسئولیت کیفری شناختند این مسئله مطرح شد که آیا شخصی که با اراده‌ی خود اسباب زایل شدن اراده خود را فراهم می‌کند، در این حین اگر مرتکب جرمی گردد مسئول هست یا خیر؟

چگونگی پیدایش این مسئله مربوط به اینجاست که از یک سو این سبب را خود شخص پدید می‌آورد و در واقع خود شخص از خود رفع مسئولیت می‌کند. در حالیکه آنچه مورد قبول فقها بود این بود که شخصی که دارای اراده است مسئول تمام اعمال ارتكابی خویش است مگر این که یک عامل خارجی که وجود یا عدم آن در اختیار فرد نیست اراده‌ی او را تحت الشعاع قرار دهد و از این جهت مرتکب خطا گردد و پذیرش این تفکر که چنین شخصی فاقد مسئولیت کیفری است موجب می‌شود که جرم و جنایت در اجتماع شایع شود و از سوی دیگر هم جرم بودن این سبب رفع مسئولیت و مستوجب کیفر بودن و عدم توانایی این عامل در زایل کردن مسئولیت مرتکب خیلی از فقها را بر این داشت که چنین شخصی مانند کسی که مست نیست دارای مسئولیت کیفری است. البته در مقابل نیز گروهی از فقها نیز قایل به این بودند که این اشخاص نیز می‌توانند از اسباب رفع مسئولیت استفاده کنند.

بعدها در قرن هیجدهم و بعد از آن با ظهور مکاتب جدیدی در جرم‌شناسی و حقوق کیفری دیدگاه‌های مختلفی راجع به این موضوع پدید آمده تا جایی که مکتب کلاسیک در تضاد کامل با مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی انسان را دارای اراده‌ی آزاد که تمام اعمال خود را بر اساس سود و زیان می‌سنجد و هنگام ارتكاب جرم به عواقب آن اندیشیده و آن را می‌پذیرد فرض کرده است در حالی که مکتب



تحقیق یا دفاع اجتماعی انسان را عروسک خیمه شب بازی می‌دانند که تحت تاثیر عوامل اجتماعی به صورت مومی در می‌آید که جامعه به آن شکل می‌دهد و در واقع به هر ساز اجتماع می‌رقصد و هیچ توانی برای مقابله با نیروی اجتماع ندارد می‌دانند. اکنون بحث راجع به تاثیر مستی ارادی بر مسئولیت کیفری بررسی می‌شود. برای طرح بحث ابتدا باید موضوع مشخص شود. مجرم یا جرم؟

در گذشته یعنی قبل از ظهور مکاتب کیفری بر روی جرم تکیه زده شده بود و اصلاً به مجرم توجهی نمی‌شد و همه به جرم به عنوان یک پدیده ضد اجتماعی که باید از بین برود می‌نگریستند و به این ترتیب مجازات‌های سخت را برای ارباب دیگران تجویز می‌کردند. اما با تحول بوجود آمده و ظهور مکاتب کیفری جدید نگاه‌ها به طرف مجرم و عواملی است که وی را به ارتکاب جرم وا می‌دارد. جنبه‌ی اصلاحی مجازات و جنبه‌ی بازدارندگی آن مقدم بر هدف اربابی و انتقامی آن است چون پذیرفته شده که جرم نتیجه ناسازگاری فرد با محیطی است که در آن قرار گرفته است و در واقع واکنش فرد نسبت به محرک‌های زیستی و محیطی است. بنابراین نه تنها میکروبی اجتماع نیست بلکه قربانی است و باید او را برای تطبیق با اجتماع آماده کرد و در این راه از نتایج علم جرم‌شناسی استفاده کرد. بعد از روشن شدن موضوع باید به تصورات و تصدیقاتی پرداخت که مبادی بحث محسوب می‌شوند.

اولین فرع قضیه یا در واقع صغرای قضیه این است که مست مرتکب فعل خطا می‌شود. این شخص را باید مست خطا کار نامید. چون در مست بودن او اختلافی نیست. اما جای بحث در مورد مجرم بودن اوست که باید روشن شود و پیرامون آن بحث شود. عکس این عبارت صحیح نیست یعنی شخص را مجرم مست بنامیم. زیرا در این صورت بدون هیچ تحقیقی مجرم بودن او اثبات گردیده و مستی تحت الشعاع جرم ارتكابی قرار می‌گیرد ولی در عکس این حالت باید راه تحقق مسئولیت کیفری را در مورد مست پیمود و بعد حکم به مسئولیت یا عدم مسئولیت او کرد.

سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مستی ارادی چه نقشی در ارتکاب جرم دارد. علت است یا عامل؟ تفاوت و آثار آنها کدام است؟

در پاسخ باید گفت که اینجا بین کسی که از تاثیر مسکر بر روان خود ناآگاه است - خواه مست اتفاقی باشد خواه الکلیک و معتاد به مواد مخدر - با کسی که از این تاثیر مطلع می‌باشد قایل به تفکیک شد. در حالت نخست که شخص ناآگاه است از گذشته خود فاصله گرفته و هیچ نیرویی برای فکر کردن ندارد. در نتیجه داشتن یا نداشتن قصد مجرمانه حین استعمال مسکر تأثیری بر او و رفتار او نخواهد داشت و چون برایش قایل پیش بینی نیست که چه رفتاری خواهد داشت بنابراین خواستن نتیجه‌ای که برای شخص قابلیت پیش بینی ندارد چندان تأثیری بر رفتار او نخواهد داشت. حتی برحسب میزان ماده مصرفی هم نمی‌توان رفتار فرد را پیش بینی کرد به همان دلالی که در مبحث «اندازه می‌برای مستی» گفته شد.

حال اگر مست شد و حتی به انگیزه ارتکاب جرم خود را مست کرده باشد و در این حین مرتکب جرمی شد، این مستی در وی عامل ارتکاب جرم است یا علت؟

حالا که دست اراده شخص از ارتکاب جرم کوتاه گردیده است آیا می‌توان عمل ارتكابی را به حساب مستی گذاشت؟ آنچه مسلم است این است که روان شخص به عنوان یک عامل و نه علت در رفتار شخص تأثیر دارد و سایر شرایط مثل جسم و ابزار و ... باید موجود باشد تا جرمی فعلیت یابد. در اینجا مستی یک عامل برای ارتکاب جرم است.

در مورد کسی که به تدریج تاثیر مسکر را در روان خود دریافته است باید فرض را از حالت اول جدا کرد. در حالت اول علمی وجود ندارد که بر مبنای آن اختیاری قرار گیرد. اما در این حالت شخص می‌داند که با مصرف مسکر چه رفتاری از او سر خواهد زد. پس شخص عالم است و چون عالم است و انجام می‌دهد پس قاصد است. چون می‌داند نتیجه مصرف مسکر انجام فعل خطا است. در اینجا هر چند شخص نتیجه را نخواهد اما چون عوامل را جمع کند به صورت علت در می‌آید. اگر چه معلول را که عمل مجرمانه باشد نخواهد. بنابراین تمام شرایط برای ارتکاب جرم مهیاست. اینجا مستی ارادی چون علت است از وجودش جرم موجود و از عدم آن جرم موصوف مفقود می‌شود.



فرق این دو حالت در این است که خواستن عامل ملازمه با خواستن نتیجه ندارد چرا که از وجودش وجود نتیجه لازم نمی‌آید ولی خواستن علت ملازمه با خواستن نتیجه مجرمانه دارد. حتی خواستن نتیجه در حالت اول منجر به تشکیل علت تامه نخواهد شد. در حالیکه حالت دوم عکس این حالت است.

دومین فرع و در واقع کبرای قضیه این است که هر کس مرتکب جرمی شود دارای مسئولیت کیفری است و کیفر خواهد دید. در اینجا جرم به همان معنایی که مورد نظر حقوق دانان است مورد توجه است. یعنی نتیجه‌ای که محصول سه عنصر مادی، معنوی و قانونی است. مسئله این است که آیا می‌توان صغرا را بر کبرا حمل کرد و نتیجه‌ای گرفت که حاکی از مسئولیت کیفری مست باشد یا نه؟ در زیر به دوشق قضیه پرداخته خواهد شد. یکی مجرم بودن مست و دیگری مسئول نبودن مست خطا کار.

۵- مسئولیت کیفری مستی از دیدگاه قاعده الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار

معنای این قاعده چیست؟ این یک قاعده عقلی است که در بردارنده این مطلب است که انسان دارای اراده آزاد است که مسئول تمام اعمال و رفتارهای خود می‌باشد و شرایط و مقتضیاتی که بشر را احاطه کرده است اثر قابل توجهی بر روی اعمال و تصمیمات او ندارد و او با اراده‌ی کامل می‌تواند از عواملی که او را تحت فشار قرار می‌دهد دوری کند با آنها به مبارزه بپردازد. اگر فردی مقاومت نکرد و کوشش خود را در راه نابودی آنها به کار نبرد و از اراده خود یاری نخواست تا در دام بزه کاری دچار نگردد دلیل آن است که خود وی مایل بوده که گرایش اعمال بزه کارانه در وی ایجاد گردد. اگر فردی رفتار ضد اجتماعی پیشه کند ریشه اشتباهات او را نباید در جایی جز در خواسته و میل باطنی او جستجو کرد. زیرا آگاهانه به طرف ارتکاب جرم رفته است. لذا کاملاً گناهکار است و باید به کیفر اعمال نادرست خود برد تا دیگر گرد رفتارهای ضد اجتماعی نگردد.

حال که روشن شد که انسان دارای اراده آزاد است و عواقب اعمال خود را باید متحمل شود، اگر در این بین کاری کرد که اراده اش سلب شد چنان چه با اراده خود این کار (سلب اراده) را کرده باشد، باز هم شخص دارای اراده فرض می‌شود. به خاطر اینکه افراد باید عواقب کارهای خود را بسنجد اگر چه این عواقب مستند به اراده مستقیم فرد حین ارتکاب نباشد. دکتر گرجی در این باره می‌گوید:

«... چون خود او بدون عذر مشروع قصد و ادراک خود فاسد نموده لذا به حکم قاعده عقلیه الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار مانند

افراد غیر مست مستحق کیفر است. بنابراین اگر عمداً مرتکب جنایت شد می‌توان از او قصاص کرد...»

این قاعده که مورد قبول اکثریت فقهاست مستند حکم به مسئولیت مست است. البته استدلال دکتر گرجی در استناد به این قاعده عام است و شامل سایر استدلالاتی که در این مورد ممکن است مطرح شود نیز می‌شود و نامشروع بودن اسباب مستی را نیز در بر می‌گیرد.

در باب عمد یا غیر عمد بودن جرم ارتكابی نیز با توجه به عمدی بودن استعمال مسکر نیازی به تحقیق نیست. چون عمدی بودن جرم ارتكابی در این قاعده موجود است و آن در کلمه‌ی اختیار مستتر است. بنابراین کلمه‌ی «عمداً» در عبارت دکتر گرجی اضافی به نظر می‌رسد و ممکن است موجب این شبهه شود که تحقق چنین حالتی عقلاً و منطقیاً محال ذاتی و اجتماع نقیضین است. اما با توضیحی که داده شده این شبهه مرتفع می‌گردد.



۶- مسئولیت کیفری مستی ارادی از دیدگاه قانون مجازات اسلامی

۶-۱- ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی

«اگر کسی بر اثر شرب خمر مسلوب‌الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد»
این ماده حکم عامی راجع به همه جرایم است که برگرفته از فتوای امام خمینی (ره) می‌باشد.
قانون‌گذار در اینجا از نظر کسانی که مستی را رافع مسئولیت ندانسته‌اند پیروی نکرده و فقط در قسمت دوم در مورد کسی که به منظور ارتکاب جرم خود را مست کند بنا به مصالح اجتماعی آن را از عوامل مشدده کیفر (تعدد مادی) به حساب آورده که در این صورت مجازات شرب خمر با جرم ارتكابی جمع می‌شود.
ممکن است گفته شود که قانون‌گذار ابزار مستی را منحصر به مشروبات الکلی دانسته و مواد مخدر را از این حکم خارج ساخته چون در مقام بیان بوده است ولی به چند دلیل باید گفت که این برداشت غلط است زیرا:
۱- بنا به قیاس مستنبط العله قطعی سایر موارد نیز مشمول این حکم هستند. چون معنای حقیقی خمر همان زوال عقل است که در مورد مواد مخدر نیز موجود است و آنچه مراد است همان مسلوب‌الاراده شدن است که اینجا نیز محقق است.
۲- بنا به قاعده تفسیر به نفع متهم این موارد نیز مشمول حکمند.

۶-۲- ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی

«قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب‌الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً خود را برای چنین عملی مست نکرده باشد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف یا بیم تجری مرتکب و دیگران گردد موجب حبس تعزیری از سه تا ده سال خواهد بود.»
برخی حقوق‌دانان معتقدند که تفاوت این ماده با ماده ۵۳ ق.م.ا در این است که ماده ۵۳ اصل برابر عدم مسئولیت مرتکب در حال مستی قرار داده است و این ماده اصل را بر مسئولیت مرتکب قرار داده است.^۴ ولی با امعان نظر در این دو ماده به دست می‌آید که هر دو اصل را بر مسئولیت مرتکب در حال مستی قرار داده‌اند مگر اینکه مسلوب‌الاراده شدن او اثبات گردد.^۵
باتوجه به اینکه در مورد مجرم بحث می‌شود که مست و مسلوب‌الاراده شده و بعد حکم به مسئولیت یا عدم مسئولیت او می‌شود بنابراین اصل بر عدم مسئولیت مست مسلوب‌الاراده است مگر اینکه اثبات شود به منظور ارتکاب جرم خود را مست کرده یا بیم و خوف تجری رود. در این صورت بحث تدافع مجرم به عنوان دلیل برای رفع مسئولیت موضوعی غیر از اصل بر مسئولیت یا عدم مسئولیت است. زیرا عبارت مست [مسلوب‌الاراده] مجرم حاوی نکته رفع مسئولیت او هست.
تنها تفاوت این دو ماده این است که قانون‌گذار راجع به قتل حساسیت نشان داده و علی‌رغم معافیت از قصاص مرتکب را به تحمل حبس محکوم کرده است ولی در ماده ۵۳ و سایر جرایم غیر از قتل مسئولیت به طور کلی زایل می‌شود.
البته کیفر شرب خمر در هر صورت پا برجاست و در صورت سقوط قصاص به جهت حرمت ریختن و تباہ شدن خون مسلمان خود شخص باید دیه را بپردازد و عمل او خطای محض محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به پژوهش فوق در می‌یابیم که مستی به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌تواند در زمان‌های خاص و طبق شرایط به خصوصی مجرم را دارای مسئولیت کیفری نماید. مستی ارادی یکی از این حالات بوده که فرد مذکور دارای مسئولیت کیفری خواهد بود. با توجه به اینکه قوانین کیفری در هر عصری با توجه به غلبه عقیده گروهی بر گروه‌های دیگر وضع و تدوین می‌شود. در پیش گرفتن یک

۴- عباس زراعت، «شرح قانون مجازات اسلامی، قصاص»، چ اول، تهران، ققنوس، ۱۳۷۹، ص/۱۵۶.

۵- رضا شکری، همان، ص/ ۲۳۵



روش متعادل و متناسب با شرایط و مقتضیات اجتماعی و پیشرفت اجتماعی و سطح درک و آگاهی انسانها قانون گذار را بر آن می‌داد که به شیوه‌های توسل جوید که تا حد امکان از بروز رفتارهایی که در قوانین کیفی پیش‌بینی نموده جلوگیری و یا از تکرار آن جلوگیری کند. این مهم محتاج به صرف وقت برای مطالعه و بررسی شرایط اجتماعی و استفاده از روش‌های عینی و عملی به جای ارایه تئوری‌های محض است. بنابراین نمی‌توان صرفاً با تکیه بر نظریات عده‌ای و میزان پیروان آن عقیده قاعده‌ای وضع کرد و با توسل به آزمون و خطا آن را در جامعه پیاده کرد که اگر به کار نیامد عوض شود.

البته نباید مفید بودن این نظرات را انکار کرد و استفاده از آنها را در بهتر کردن اوضاع اجتماعی نادیده انگاشت. در زیر به نکاتی چند در مورد آنچه گذشت و ارایه پیشنهاد پرداخته خواهد شد.

۱- مشخص است که تا جامعه باقی باشد عده‌ای قربانی خواهد شد و آنها مجرمانی هستند که تحت تأثیر شرایط محیطی و تربیتی و... حالتی برایشان پدید آمده که می‌توان گفت به نوعی مجبور به ارتکاب جرم هستند پیشگیری از پیدایش چنین حالتی مطلوب و موضوع جرم شناسی است. در هر حال با ارایه آموزش‌های مختلف برای آگاهی مردم از آثار اعمال ارتكابی می‌توان امید به کاهش این موارد به کاهش این موارد داشت.

مثلاً آنچه در ذهن مردم راجع به الکل وجود دارد اطلاعاتی راجع به وصف خمر بودن و به صرفه نبودن از لحاظ اقتصادی است و نهایتاً کسانی که آن را مصرف نکنند استدلالشان حرام بودن یا جرم بودن آن است. در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردم از ضررهای جسمی و روانی مستی بی‌خبرند.

۲- بسیاری از مردم در تفکر آن هستند که مستی به کل رافع مسئولیت کیفی می‌باشد در حالی که آنها علم بر این موضوع ندارند که مستی ارادی یا حالاتی نظیر آن علاوه بر آن که رافع مسئولیت کیفی نمی‌باشند، علاوه بر مجازات آن جرم ارتكابی به مجازات شرب خمر نیز محکوم خواهند شد.

۴- جدای از جنبه‌های عملی در حیطه قانون گذاری می‌توان بین کسانی که از تأثیر مسکر مطلع هستند با کسانی که بی‌خبر هستند تفکیک قایل شد و نیز بین مست اتفاقی و کسانی که معتاد به الکل هستند تفاوت در نظر گرفت. معتادین به الکل در واقع بیمار روانی هستند که تحت تأثیر شرایط بد اجتماعی به این ورطه کشیده شده‌اند. مجازات اشخاص بی‌خبر از تأثیر مسکر با مطلعین باید تفاوت اساسی داشته باشد اما در دسته دوم یعنی معتادین و اتفاقی‌ها می‌توان تخفیف قایل شد برای معتادین. البته این فقط از جنبه جرم شناسی است چون از دیدگاه حقوق کیفی میان هر دو دسته فرقی نیست مگر اینکه فشار جسمی و روحی به حدی باشد که قصد را زایل کند.

۵- پیشنهاد میشود با توجه به نیاز جامعه امروزی و همچنین پیشرفت تکنولوژی و در دسترس بودن فضای سایبری آموزش های لازم در بستر فضای مجازی و تلویزیونی در جهت تبیین حقوق و مسائل کیفی جهت اطلاع عموم مردم برگزار گردد.

۶- پیشنهاد میشود با توجه به اینکه در جامعه امروزی بیشتر مصرف کنندگان مشروبات الکلی از قشر جوانان و نوجوانان می‌باشند، برنامه های ویژه ای در بستر حضوری و مجازی جهت اطلاع آنها از ضرر و زیان های جسمی و روحی و همچنین آثار و پیامد های کیفی آن جرم برگزار گردد.

منابع و ماخذ

الف (کتاب و قوانین)

- ۱- قرآن کریم
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۳- قانون مسئولیت مدنی
- ۴- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۵- فرحی، بابک، مختصر حقوق جزای عمومی، انتشارات طرح نوین اندیشه، تابستان ۱۳۹۴.
- ۶- اردبیلی، محمد علی، «حقوق جزای عمومی»، ج ۲، چ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۷.



- ۷- الطافی، رمضان، «جرم شناسی (جبر روانی)»، چ اول، تهران، مولف، ۱۳۷۲.
 - ۸- باهری، محمد، «تقریرات حقوق جزای عمومی»، چ اول، تهران، رهام، ۱۳۸۱.
 - ۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، «مبسوط ترمینولوژی حقوق»، ج ۵، چ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
 - ۱۰- حکمت، سعید، «پزشکی قانونی قضایی»، چ چهارم، تهران، خرم، ۱۳۷۱.
 - ۱۱- دانش، تاج زمان، «مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟»، چ نهم، تهران، کیهان، ۱۳۸۱.
 - ۱۲- شگری، رضا و سیروس، قادر، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی»، چ سوم، تهران، مهاجر، ۱۳۸۳.
 - ۱۳- علی آبادی، عبدالحسین، «حقوق جنایی»، ج ۱، چ اول، تهران، فرودسی، ۱۳۶۷.
 - ۱۴- عوده، عبدالقادر، «حقوق جزای اسلام بخش عمومی»، عباس شیری، ج ۲، چ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۳.
 - ۱۵- فیض، علیرضا، «تطبیق در حقوق جزای اسلام»، چ اول، تهران، سپهر، ۱۳۶۵.
 - ۱۶- کی نیا، مهدی، «مبانی جرم شناسی»، ج ۱، چ ششم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
 - ۱۷- گرجی، ابوالقاسم، «مقالات حقوقی»، ج ۱، چ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
 - ۱۸- گسن، ریموند، «جرم شناسی نظری»، مهدی کی نیا، چ اول، تهران، مجد، ۱۳۷۴.
 - ۱۹- گلدوزیان، ایرج، «حقوق جزای عمومی ایران»، ج ۲، چ چهارم، تهران، ماجد، ۱۳۷۶.
 - ۲۰- گودرزی، فرامرز، «پزشکی قانونی»، ج ۲، چ اول، تهران، انیشتین، ۱۳۷۷.
 - ۲۱- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد، «اصول طب قانونی و مسمومیت‌ها»، چ اول، تهران، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰.
 - ۲۲- محمودی، عباسعلی، «حقوق جزای اسلام»، ج ۶، چ اول، بی جا، بی نا، ۱۳۶۰.
 - ۲۳- ولیدی، محمد صالح، «حقوق جزای عمومی»، ج ۳، چ اول، بی جا، اورامان، ۱۳۷۳.
- دو - عربی
- ۲۴- خوبی، ابوالقاسم، «مبانی تکمله المنهاج»، ج ۲، بیروت، دارالزهراء، ۱۹۷۵.
- ب- پایان نامه و مقالات
- ۲۵- قاسمی، ناصر، «مستی ارادی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری»، پروژه تحقیقاتی دوره کارشناسی، دانشگاه علوم قضائی، ۱۳۸۵.
 - ۲۶- مهران، ناصر، «مستی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
 - ۲۷- بهنام، امیرمحمد، ۱۳۹۹، بررسی مسؤولیت کیفری ناقلین بیماری کرونا از دیدگاه حقوق بشر و قانون مجازات اسلامی، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی
- ج- فرهنگ لغت
- ۲۸- «فرهنگ اصطلاحات علمی»، چ اول، بی جا، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
 - ۲۹- «فرهنگ لغت دهخدا»، علی اکبر دهخدا، ج ۲ و ۱۲، چ اول از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
 - ۳۰- «فرهنگ زبان فارسی الفبایی- قیاسی»، مهشید مشیری، چ اول، تهران، سروش، ۱۳۶۹.



Investigating the criminal responsibility of voluntary drunkenness by examining the cases of drunkenness and explaining the rule of non-voluntary non-voluntary refusal

Amirmohamadbehnam

" Master student of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Maragheh Branch "

Amirbehnam7888@gmail.com

Samirasafarloo

"Basic lawyer of a judiciary"

Abdullah Behnam

"Bachelor of Laws"

Abehnam984@gmail.com

Abstract:

Today, due to the importance of the position of jurisprudence in criminal matters in Iran and due to the sanctity of drinking alcohol and drunkenness in Islam, it is very important to study and analyze the types of drunkenness as well as the types of behaviors of a drunk person. It so happened that theoretical scientists took a stand against it, including poets, jurists, mystics, and so on. Depending on what the conduit of this idea is, the point of view and therefore the results will be different. Even among these groups, there were schools that disagreed with the other schools of that group. If this issue is dealt with only from the jurisprudential point of view, considering that there are countless opinions in this field, it is not possible to pay attention to all of them. Punishment is used to clarify whether this person is guilty and therefore entitled to punishment or not? Therefore, the accepted principles of criminal law will be used. In the end, an effective result will be achieved on the criminal responsibility of these people.

Keywords: criminal liability, drunkenness, criminal law, involuntary drunkenness